

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdulgolparian@yahoo.com

ایسکرا

۴۰۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۱ فروردین ۱۳۸۷، ۹ آوریل ۲۰۰۸

سر دبیر: عبدال گلپریان
abdolgolparian@yahoo.com

آزادی محمود صالحی یک پیروزی مهم کارگران در آستانه اول مه



محمود صالحی روز یکشنبه ۱۸ فروردین ساعت سه بعد از ظهر از زندان سنندج آزاد شد. حزب کمونیست کارگری آزادی محمود صالحی را به همه کارگران و مردم ایران و همه کسانی که طی یک سال گذشته برای آزادی او تلاش و مبارزه کردند و بویژه به همسر و فرزند او شادباش میگوید. آزادی محمود صالحی نتیجه مبارزه متحدانه و گسترده ای است که از جانب کارگران و کمیونیستها در ایران و در سطح جهان به جریان افتاد و یک شکست سیاسی دیگر را به حکومت توحش اسلامی سرمایه داران تحمیل کرد. این مبارزه و این کارزار گسترده و بویژه مقاومت و سرسختی محمود صالحی در زندان، مسئله محمود

جدید مدت طولانی تری او را در زندان نگه دارد. اما خیلی زود به شکست محتوم این تلاش خود پی برد و به ناچار جام زهر را سرکشید. در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر آزادی محمود صالحی یک

صالحی را به یک معضل جنی برای جمهوری اسلامی تبدیل کرد که هم از آزادی او وحشت داشت و هم از نگه داشتن بیشتر او در زندان خود را منزوی تر و مغبون میدید. حکومت اسلامی تلاش کرد با بهانه جویی و پاپوش دوزی های

صفحه ۲

به بهانه فیلم فتنه نگاهی به مواضع پرو اسلامی



محمد آسگران

مذهب) جایز نیست. سران دول غرب یکی بعد از دیگری برای بدست آوردن دل اسلامیها وارد میدان شدند و از اسلام به عنوان دین صلح طلب اسم بردند. در همین هیاهویی که به پا کردند تدریس قرآن در مدارس را قانونی اعلام کردند. از جمله در آلمان آشکار تر از جاهای دیگر وزیر کشور که خود از حزب سوسیال مسیحی است اعلام کرد اسلام دین صلح است و قرآن باید در مدارس تدریس شود.

نتیجه این جار و جنجال آن شد که در پی کشمکش که دول غرب با جریانات اسلامی رام نشده داشتند انتشار یک فیلم دست راستی از جانب یک آدم راست و ضد خارجی در

صفحه ۲

فیلم فتنه بهانه ای شد که اسلام سیاسی یک بار دیگر با وقاحت کامل سهم خواهی اش را به رقبایش گوشزد کند. این فیلم بهانه ای شد که کل مدافعین اسلام سیاسی باز هم به کف چرانی بپردازند. دول غرب و سازمان ملل هم در میان گردو خاک به پا شده راهی برای امتیاز دهی به این جنبش ارتجاعی یافتند. اعلام کردند توهین به مذهب (بخوان نقد

پیام مشترک به مناسبت آزادی محمود صالحی از زندان

روزهای سال بازداشت کرده و به زندان سنندج منتقل کردند و علیرغم پایان دوران محکومیتش، میخواستند همچنان وی را در بند نگه دارند

صفحه ۴

ماندنی به ارمغان آورد. محمود را پارسال در راستای سیاست ایجاد رعب در میان کارگران برای جلوگیری از برگزاری مراسم اول ماه مه در اولین

محمود صالحی از زندان آزاد شد، این خبر برای کارگران و فعالین جنبش کارگری در ایران آنچنان حائز اهمیت بود که به فاصله بسیار کوتاهی همه جا را در نوردید و شور و شغفی به یاد

صفحه ۴

ادامه اعتصاب کارگران هفت تپه

صفحه ۴

با فتوای یک آخوند یک نفر را سر بریدند

محمود صالحی آزاد شد زنده باد زندگی



ناصر اصغری

متعدد گذراند، بالاخره در روز ۱۸ فروردین به آغوش نگران خانواده و رفقاییش برگشت. خبر خوش آزادی محمود صالحی باعث بستن لبخند بر هزاران و صدها هزار لب شد که درصد بسیار بالایی از این انسانها صرفا نام او را در رابطه با فعالیتهايش شنیده بودند و در جدال بر سر اول ماه مه، او در پیشاپیش کارگران بسیاری با جمهوری اسلامی، جانب او را گرفتند.

صفحه ۳

هفته گذشته در همین نشریه گفتیم که محمود صالحی همچنان در زندان است. این هفته خبر خوش آزدایش را داریم. وی بعد از اینکه ۱ سال و ۱۴ روز را در شرایطی غیرانسانی در زندان زیر فشارهای

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

به بهانه فیلم فتنه . . .

از صفحه ۱

است.

در چنین شرایطی هنگامیکه آمریکا در عراق شکست خورد و ناچاراً از موضعی ضعیف به مذاکره با جمهوری اسلامی پرداخت، سهم خواهی اسلام سیاسی را بیش از پیش به جلو صحنه سیاست راند. بنابر این شکست آمریکا از یک طرف و بن بست بحران اتمی جمهوری اسلامی از طرف دیگر و همزمانی این اتفاقات با بحران لبنان و فلسطین و تناسب قوای نیروهای متحد آمریکا با طالبان در افغانستان، باعث شده است که دولتهای غربی علاوه بر بسته بندیهای پیشنهادی تشویقی به جمهوری اسلامی دست جریانات اسلامی در اروپا را بیش از پیش باز بگذارند.

نواختن کرهماهنگ اسلامیها و دولتهای غربی و سازمان ملل و اروپای واحد در دفاع از مذهب و ارتجاع مذهبی همگی نمودهایی از این تعادل و تناسب جدید است. کشورهای غربی به خیال خود میخوانند به اسلام "میانه رو" میدان بدهند که اسلامیهای "تندرو" را مهار کنند. این سیاست شکست خورده بار دیگر در محدود کردن نقد به مذهب و دخالت دولتهای اسلامی و امتیاز دادن به جریانات اسلامی خود را مطرح کرده است. بنابر این محکوم کردن و یا دفاع از یک فیلم ۱۵ دقیقه‌ای یک آدم راست و مرتجع نمیتواند این اتفاق سیاسی را توضیح بدهد. همچنانکه حمله صدام حسین به کویت و موضعگیریهای له و علیه آن نمیتوانست سیاستهای نظم نوینی و میلیتاریسم آمریکا را توضیح دهد. طلوع خونین نظم نوین جهانی یک اتفاق جهانی بود و سیاست نظم نوینی بورژوازی‌ها بعد از ریختن دیوار برلین را نمیشد با اقدام صدام حسین به اشغال کویت توضیح داد.

آن هنگام هم تمام رسانه‌ها و دولتهای دنیا چنان وانمود میکردند که موضوع بر سر اشغال کویت است. جریانات چپ و راست اپوزیسیون هم در دنیا با همین صورت مسئله وارد میدان شده و اظهار نظر کردند. اما تنها جریانی که حقیقت را دید و بدون توجه به جعلیات رسانه‌ها و دولتها اعلام کرد که این اتفاق جهانی در پرتو سیاستهای نظم نوینی باید توضیح

دهند را بهانه ای کردند که دولتهای غربی برای آرام کردن جریانات اسلامی به آنها امتیاز بدهند. سهم اسلامیه‌ها را برسمیت بشناسند، دخالت اسلام در زندگی مردم را توجیه و قانونی اعلام کنند.

اما کشمکش این دو قطب و امتیاز دادن و امتیاز گرفتن آنها از همیگر صف دیگری را هم به تحرك واداشت. جریانات راست مدافع این دو قطب قبلاً هم مواضعشان آشکار بود اما در این هیاهویی که به پا شد این بار جریانات چپ سنتی و "ضد امریالیست" بیش از همیشه فضا را آماده دیدند که تزه‌ای خاک خورده‌ای را که جرات طرح آنرا نداشتند، مجدداً به صحنه آورده و حق به جانب تر با زبان و فرهنگ اسلامی سخن بگویند. اما اتفاقی که افتاده است فراتر از نقد و بررسی یک فیلم ۱۵ دقیقه‌ای است. این فیلم را جنجالی کردند که این سیاستها را به آن وصل کنند.

اگر کسی در امرهایی انسان و آزادی بیان جدی باشد، نمیتواند در این محدوده و صورت مسئله ساخته و پرداخته دو قطب تروریستی محصور بماند. باید بینیم که چه اتفاقی افتاده است. این صف رقبای چرا یک باره هماهنگ یک کرسمفونیک یک نواخت را مینوازند. چرا دول غرب به رهبری آمریکا یک شبه از سازمان ملل اش گرفته تا اروپای واحد و همه جریانات و دولتهای اسلامی در دفاع از اسلام و مذهب علیه آزادی بیان و آزادی نقد صف کشیدند. چرا همه اینها با یک فرهنگ و ادبیات به صدور بیانییه و نطق پرداختند.

کسی که این اتفاقات را نبیند و از موضعی انسانی و کمونیستی به جنگ آن نرود، ناچار است یکی از دو قطب را آشکارا یا ضمنی تقویت کند. برای کسی که این سوالات مطرح نیست ناچار است صورت مسئله و تحلیل خود از این اتفاقات را همانگونه پی بگیرد که قطبهای رقیب مطرح کرده‌اند. در حالی که تلاش برای سازش و امتیاز دهی به اسلامیه‌ها بسیار قبلتر از انتشار این فیلم آغاز شده بود. منظورم حتی این نیست که تاریخاً دول غرب مستقیم و غیر مستقیم در تقویت اسلام

آزادی محمود صالحی یک پیروزی . . .

از صفحه ۱

دستاورد ارزشمند است که بر قدرت مبارزه متحدانه کارگران تاکید میکند و باید این پیروزی را به سکو و اهرمی برای برگزاری هرچه وسیعتر و باشکوهتر و رادیکال تر اول مه آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی از جمله منصور اسانلو و همه دانشجویان در بند تاکید کنیم. باید بر حق بیچون و چرای کارگران برای برپایی آزادانه اول مه پافشاری کنیم و با برپایی یک اول مه عظیم و باشکوه یک پیشروی جدی تر را برای جنبش کارگری و اعتراضی در ایران ثبت کنیم.

خود را توضیح بدهند. همه اینها با سیاستی دابی جان ناپلئونی فکر میکنند چاپ کاریکاتوره‌های بیغمبر مسلمانان در دامنارک و فیلم فتنه در هلند و کاریکاتور لارشیویکس در سوئد و... همگی نقشه امپریالیستها است. اینها آگاهانه یا نا آگاهانه در جایی قرار میگیرند و سیاستی را دنبال میکنند که تنها به تقویت جریانات اسلامی منتهی میشود. در چنین شرایطی دولتهای غربی و وزرای خارجه کل بلوک اروپای واحد به این سیاست اسلامیه‌ها چراغ سبز نشان دادند. تا آنجا که به موضعگیری جریانات "چپ" مربوط میشود نمونه‌هایی از این دست در چند سال گذشته کم نبوده‌اند. یکی از آنها مسئله موضعگیری در قبال حزب الله لبنان و جنگش با اسرائیل بود. کم نبودند جریاناتی که با عکس حسن نصرالله به خیابان آمدند. کم نبودند "چپهایی" که حزب الله را نجات دهند مردم لبنان معرفی میکردند. در این میان اگر از بخش عمده چپ سنتی و چپ نوع SWP با در دست داشتن عکس حسن نصرالله بگذریم، چپ ترین این جریانات موضعی ششبه کورش مدرسی گرفتند که با حمایت ضمنی از حزب الله آنها را ناجی مردم لبنان معرفی کردند. اما مصاحبه‌های

**مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی برابری
حکومت کارگری
زنده باد اول مه
روز جهانی کارگر!**

**حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ فروردین ۱۳۸۷
۶ آوریل ۲۰۰۸**

داده شود منصور حکمت بود. ما همان وقت اعلام کردیم که حمله به عراق ربطی به اشغال کویت ندارد. اعلام کردیم که اشغال کویت فقط یک بهانه است که نظم بعد از ریختن دیوار برلین را سازمان بدهند و... ما اعلام کردیم مسئله اصلی نه حمله صدام حسین به کویت بلکه طلوع نظم نوین جهانی است و مردم دنیا باید این را بدانند و در مقابل آن سنگر بندی کنند.

ولی همان وقت هم کم نبودند جریاناتی که ما را متهم به حمایت و یا سکوت در قبال سیاست اشغال کویت به وسیله صدام حسین کردند. آن هنگام حتی در صفوف حزب کمونیست ایران کسانی از موضع چپ سنتی و ناسیونالیستی همین نقد را به منصور حکمت داشتند. اما سیر رویدادهای سیاسی در جهان و منطقه درست بودن سیاست کمونیستی ما و بی ربط بودن سیاست آنها به کمونیسم را اثبات کرد.

اکنون در ابعادی بسیار کوچکتر همین اتفاق به نوع دیگر تکرار میشود. ابعاد و موضوعات مطرح شده متفاوت هستند اما متد برخورد همان است. کل چپ سنتی و عقب مانده همراه با جریانات اسلامی همگی با محور قرار دادن نقد و محکوم کردن این فیلم که از موضعی راسیستی تهیه شده است میخوانند "ضد امریالیست بودن"

حکومت اسلامی تاکید نماید.

به بهانه فیلم فتنه . . .

از صفحه ۲

اخیر لاریجانی و انیس نقاش در توضیح آن جنگ و نقش و دخالت جمهوری اسلامی و دخالت مستقیم شخص خامنه ای در طراحی اهداف و کمک به حزب الله و هدایت این جنگ و... حقایق بسیاری را روشن کرده است. با روشن شدن فاکت‌های این قضایا، جریانات "چپی" که در کنار حسن نصرالله قرار گرفتند اگر پرنسیبی داشتند باید از سیاست کناره گیری میکردند.

جریانات مدافع آشکار و نهان حزب الله به جای تعمق در سیاستشان، یک بار دیگر در قبال فیلم فتنه همان سیاست را تکرار و به همان راه ادامه میدهند. در ادامه این متد و سیاست عقده ترکانی از نوع محمد فتاحی و کورش مدرسی علیه کمونیسم کارگری دیدنی است. اینها ما را به دفاع از فیلم فتنه متهم کرده اند! عین اسلامیهها در مقابل کمونیستها ایستاده و ما را پنتاگونی خوانده اند و... علاوه بر عدم صداقت و شرافت در این موضع گیری، واقعیت این است که این نوع ابراز وجود کردن یک شارلاتانیسم سیاسی کامل است. این فحاشی و اتهام زنی بی پایه فقط با همدردی آنها با جریانات اسلامی و فرهنگ اسلامی قابل توضیح است.

یکی از خواص جریانات حاشیه ای همین است که در قبال موضع گیریهایش مسئولیتی احساس نمیکند. معلوم نیست بر اساس کدام استدلال و کدام فاکت و فیگور به خود اجازه میدهند که با این زبان عفونی، علیه حزب کمونیست

جار کشیدند. اکنون هم پس قراولان تازه وارد این صف سرگردان همان سیاست را بلغور میکنند. ما را پنتاگونی معرفی میکنند تا همدردیشان با اسلام سیاسی و فرهنگ عقب مانده و شرق زده را توجیه کنند.

اینها سیاست راست و ضد خارجی یک نفر و یا یک جریان حاشیه ای را میبینند اما کل اردوی اسلام سیاسی و بده بستان دولتهای غربی و جنبش اسلامی و محدودیت مبارزه علیه مذهب که در پارلمان اروپا و سازمان ملل با صدای رسا اعلام میشود را نادیده میگیرند. انگار جریانات اسلامی از دولتهای غربی کمتر راست و ضد انسانی عمل کرده اند. این سبک سنگین کردن و همدردی آشکار و نهان با جریانات اسلامی یک سیاست راست و ارتجاعی است. بشریت متمدن جهان وظیفه دارد جنبش اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و دولتی هر دو را مورد نقد و تعرض قرار دهد. این دو اردوی ارتجاع، مکمل همدیگر و توجیه کننده همدیگر هستند.

کسانی که در قبال اسلام سیاسی خود را بی وظیفه کرده و منشا اثری در دنیای واقعی و در جدال با این قطب تروریستی نیستند هر بار که موفقیت ما را علیه این جنبش ضد انسانی مشاهده میکنند لجن پراکنی علیه ما را تشدید میکنند. معلوم نیست که این اصحابان و یاران دلسوز حزب الله چرا با همان حرارت که علیه ما لیچار میگیرند در مقابل جلال طالبانی و بارزانی که مستقیماً مجری سیاستهای دولت آمریکا هستند با احترام رفتار

میکند. آیا اتفاقی است که در دو سال گذشته نقد و افشای حاکمان کردستان عراق تعطیل اعلام شده است. آیا این اتفاقی است که با راست ترین جریانات ناسیونالیست از موضع سازش و دوستی وارد میشوند و علیه کمونیستها با زبانی عفونی حرف میزنند.

باد از هر طرفی بیاید اینها به همان سمت حرکت میکنند. به نمونه هایی از تحلیل و ارزیابیهای اینها نگاه کنید: "جمهوری اسلامی متلاشی میشود، دولت جانشین جمهوری اسلامی میوه ای است که به دامن دوم خرداها و حجاریانها می افتد، دولت حجاریانی را نباید سرنگون کرد، در شرایط بعد از جمهوری اسلامی اگر چنین دولتی شکل نگرفته باشد خود ما باید آنرا شکل بدهیم، جمهوری اسلامی با بحران لاینحل اقتصادی گرفتار شده است، جنبش سرنگونی این رژیم را از پا در میاورد، سرنگونی جمهوری اسلامی حتمی است، جنبش سرنگونی شکست خورده است، جمهوری اسلامی قویتر از دهه ۶۰ است، احمدی نژاد سرمایه ایران را به سمت متعارف شدن برده و اکنون سرمایه داری متعارفی در ایران حاکم است، راست دست بالا را در جامعه ایران دارد، جنبش چپ تنها جنبشی است که نقش سرنگونی جمهوری اسلامی را به عهده گرفته است و... " اینها تنها نمونه هایی از تحلیلهای بسیار "بائیات و مسئولانه" این جماعت مالیخولیاست. همه این تزاها از قلم آقای مدرسی جاری شده است و بقیه "تئورسینهای" منشعبین هم آنرا تکرار کرده اند. به همین دلیل ساده

جمهوری اسلامی نباشد.

داشتی مبارزه و تلاش کردند.

آزادی محمود صالحی خیر خوشی به همه کارگرانی است که خودشان را برای متشکل شدن، برای مبارزه بر سر دستمزد، برای مبارزه علیه اخراج و بتعویق افتادن دستمزدها در یک سنگر می بینند. خبر خوشی است به همه زنانی که هر روزه با دهن کجی به قوانین ارتجاعی و اسلامی جمهوری اسلامی را به چالش می کشند، خبر خوشی به همه دانشجویانی است که در برابر زورگویی جمهوری اسلامی تمکین نکردند، خبر خوشی است به همه کسانی که میخواهند سر به تن

محمود صالحی در زندان و در بدترین شرایط، چشم در چشم وحشی های جمهوری اسلامی دوخت و گفت که کور خوانده اید، تا ستم هست، مبارزه هست. گفت که با در اسارت نگه داشتن او نمی توانید جامعه مملو از خشم و نفرت از ستم طبقاتی و تبعیض جنسی را به خاموشی بکشید.

آزادی محمود صالحی را به همه انسانهای آزادهای که برای آزادی او تلاش کردند، به خانواده او که به وعده ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی تن نداده و جامعه را مرتب

میگویم اینها جدی نیستند و نباید جدیشان گرفت. اما هر جا در کنار جریانات ارتجاعی قرار میگیرند باید آنها را دست نشان کرد. کسی که خود را جدی نگیرد و هر دو هفته یک ارزیابی متفاوت از دنیا و مافیای بیان میکند چرا باید دیگران آنرا جدی بگیرند.

این صف مهجور آشنا تر از آشنا است. فراتر و وسیعتر از جریان آقای مدرسی است. حزب خانوادگی آقای مدرسی پس قراولان این صف هستند. این صف سنتی و شرق زده قدیمیتر و ابعاد وسیعتری دارد. با پراتیک کردن سیاستهای کمونیستی و با اتکا به تزاها و سیاستهای حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت میتوان بیش از پیش از این صف سنتی و شرق زده فاصله گرفت. به هر نسبتی که از این صف دورتر شده به همان نسبت مورد نفرت آنها و به تبع محبوب جامعه شده ایم. حزب کمونیست کارگری راهی بجز پیشروی و فتح سنگر های پیش رو ندارد. تنها با شکست دادن اسلام سیاسی، سرنگونی جمهوری اسلامی و نقد و افشای سیاستهای نظم نوینی میتوان کل این طیف سرگردان و حاشیه ای را سر جای خود نشانند. اینها پارازیت هایی هستند که نقشی در تحولات جامعه ندارند. موضوع گیریهایشان امروز به فردا متغییر و متفاوت است. مسئولیتی در قبال سیاستهای اعلام شده خود ندارند.

۸ آوریل ۲۰۰۸

محمود صالحی آزاد شد زنده باد زندگی

از صفحه ۱

دوستان و آشنایانمان، به جمهوری اسلامی اطمینان دادند که هر لحظه نگره داشتن محمود صالحی در زندان، بر خشم و نفرتشان از جمهوری وحشی اسلامی افزوده است.

آزادی محمود صالحی خیر خوشی است به خانواده او، به رفقا و همسنگران در سندیکای کارگران خباز سقز، به کارگران و فعالین کارگری ایران، به همه فعالینی است که در هر چهار گوشه جهان برای آزادی او ساعتها بدون وقفه و چشم

هزاران تن از مردم شهر سقز و دور و بر به استقبال او رفته اند. هزاران نفر دیگر از جاهای دیگر ایران انتظار دارند در فرصتی مناسب به دیدنش بروند. هزاران و دهها هزار نفر دیگر انتظار دارند در مراسم اول ماه مه او را ببینند و به حرفهایش گوش بدهند. کارگران و مردم آزادهای که با استقبال از محمود صالحی و در آغوش گرفتنش، با خوشحالی از خبر آزادی او، با ماس م کردن این پیغام به

در جریان وضعیت او قرار می دادند، تبریک می گویم.

محمود صالحی و انسان هائی که برای آزادی او و برای برانداختن جمهوری اسلامی در نبردی بی وقفه بوده و کمترین تمکینی به وحشی های جمهوری اسلامی نکردند، شایسته بیشترین تقدیرها هستند.

محمود صالحی سمبل آزادی و زندگی و تلاش برای زندگی انسانیت.

زنده باد زندگی!

۶ آوریل ۲۰۰۸

پیام مشترک به مناسبت آزادی محمود صالحی از زندان

از صفحه ۱

اما امروز محمود صالحی با مبارزه خستگی ناپذیر کارگران و خواست و اراده متحدانه طبقه کارگر جهانی از بند آزاد شد. آزادی محمود در مصاف طبقه کارگر ایران برای خلاصی از ستم سرمایه یک موفقیت برای طبقه کارگر و بمثابه گامی است به جلو برای در هم شکستن محدودیتها و

فشارهای حاکم بر جنبش کارگری. ما آزادی محمود صالحی را از زندان به خانواده وی، کارگران و عموم انسانهای برابری طلب صمیمانه تبریک میگوئیم و بنوبه خود از همه شخصیتها، نهادها و سازمانهای کارگری، بویژه ای تی یو سی و آی تی اف که برای آزادی محمود مبارزه کردند، صمیمانه

قدردانی می کنیم و امیدواریم با مبارزه هر چه متحدانه تر و قدرتمندانه تری منصور اسالو نیز از زندان آزاد شود و برای همیشه بازداشت و آزار و اذیت فعالین جنبش کارگری و سایر جنبشهای اجتماعی در ایران پایان پذیرد. ما تلاشهای طاقت فرسای نجیبه صالح زاده و فرزندان محمود را که

لحظه لحظه ی زندگی شان را علیرغم تهدیدها و فشارهای سنگین، بی باکانه در مبارزه برای آزادی محمود سپری کردند، می ستائیم و بر عزم و اراده آنان درود می فرستیم.

محمود عزیز، دستت را صمیمانه می فشاریم و به مقاومت و پایداری ات درود می فرستیم.

زنده باد همبستگی کارگری

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

کارگران کارخانه شاهو و جمعیتی از نساجی کردستان و پورس در سندج

پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه

پالایشگاه گاز فازهای ۹ و ۱۰ علویه

شرکت توسعه سیلوی علویه

۱۸/۱/۱۳۸۷

اعتصاب کارگران هفت تپه امروز نیز ادامه داشت

در اطلاعیه روز ۲۰ فروردین به اطلاع رساندیم که کارگران نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب زده و اعلام کرده اند که روز ۲۱ فروردین نیز به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. طبق گزارشی که امروز دریافت داشته ایم، امروز نیز اعتصاب ادامه یافت و کارگران پیشنهاد مدیرعامل شرکت را نپذیرفتند. یعقوب شفیعی مدیرعامل شرکت به کارگران گفت

که پاداش معوقه را پرداخت میکند اما حقوق معوقه را نمیتواند پرداخت کند و کارگران در مقابل اعلام کردند تا تمام حقوق و مزایای معوقه پرداخت نشود به اعتصاب ادامه خواهیم داد. موضوع دیگری که مورد اعتراض و نگرانی کارگران نیشکر هفت تپه است، تهدید به بیکاری آنهاست. بخش قابل توجهی از

زمین های زراعی نیشکر برای کشت گندم به شرکت های دیگر فروخته شده است و بدین ترتیب سال دیگر زمینی برای کشت نیشکر نخواهد ماند و کارگران این شرکت با دو انتخاب خانمانسوز خرید سابقه خود و یا بازنشستگی روبرو خواهند شد. در غیر اینصورت میتوانند با نصف حقوق به این وضعیت بلاتکلیف ادامه دهند.

حزب کمونیست کارگری از همه کارگران و مردم آزادیخواه بویژه کارگران و مردم منطقه و خانواده های کارگران اعتصابی میخواند که به هر شکلی که برایشان مقدور است کارگران نیشکر را در رسیدن به خواستههای خود همراهی کنند. میلیونها کارگر در سراسر کشور بیکارند، میلیونها جوان در سالهای گذشته وارد بازار کار شده اند اما کاری برای آنها نیست و صدها هزار کارگر سالانه با تعطیل مراکز

کارگری به جرگه بیکاران میپیوندند. خواست کار مناسب یا بیمه بیکاری مکفی هرروز اهمیت بیشتری برای کل طبقه کارگر پیدا میکند. حزب کمونیست کارگری کارگران در سراسر کشور را به اتحاد بر این خواستههای پایه ای خود فرامیخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده با جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ آوریل ۲۰۰۸
۲۱ فروردین ۱۳۶۷

با فتوای یک آخوند یک نفر را سر بریدند

با فتوای یک آخوند به نام محمد علوی در شهر سقز یک نفر را سر بریدند. حکم قتل و سر بریدن شورش سلیم فر "به علت آنچه که توهین به اسلام و احمد مفتی زاده عنوان شده بود توسط این آخوند صادر و توسط فردی به نام ارسلان رضائی اجرا گردید. این جنایت در صالح آباد سقز روی داد و فرد قاتل پس از بریدن سر آقای سلیم فر خود را به نیروهای انتظامی معرفی و دلایل این قتل را مرتد بودن مقتول ذکر کرد. این جانینان در پناه قانون و شریعت اسلامی سر بریدن یک انسان را افتخاری برای دین و مذهب خود قلمداد میکنند. جنایتکاران حاکم به این دارو دسته های مرتجع میدان داده اند که سر بریدن و سنگسار کردن و خونریزی را به امری عادی تبدیل کنند.

مردم باید این جانینان را بشناسند. باید آنها را به جرم جنایت و قتل به محاکمه بکشند. نباید به این قاتلان اجازه چنین اعمالی داده شود. مفتیزاده در دوران قیام ۵۷ در شهر سندج و میروان در کنار جمهوری اسلامی میخواست همین جنایات را رواج بدهد که مردم آگاه و انقلابی او را منزوی و ترد کردند. اکنون دارو دسته های پیرو او و بن لادن و خمینی و طالبان به اسم جندالله و انصار و ... میخوانند در پناه قانون و رژیم اسلامی بیش از پیش قتل و کشتار مردم را به امری عادی تبدیل کنند. مردم باید با محاکمه این جنایتکاران و ترد آنها در جامعه اجازه ندهند چهره مبارزاتی و حق طلبانه مردم کردستان به خون و کثافت اسلامی آغشته شود.

مردم سقز انسانهای آزادیخواه! قاتلان و فتوا دهندگان این جنایت هر دو باید جوابگوی اعمال خود باشند. کشتن یک انسان به جرم اینکه به مذهب و دین خاصی اعتقاد ندارد و یا علیه یک مرتجع اسلامی به اسم مفتی زاده سخن گفته است، حق هر انسانی است. همین یک نمونه عمق توحش و جنایتکار بودن ملاها و مذهب و دینشان را نشان میدهد. این جانوران اسلامی را باید در قفس کرد. نباید امکان و مجال اجرای جنایت به آنها داد. مردم باید بدانند منبع اصلی تغذیه این جانینان رژیم اسلامی و جریاناتی مثل القاعده و طالبان و خمینی و ... هستند. در دفاع از آزادی بیان و در دفاع از حق مردم به اعتقاد داشتن و یا نداشتن به مذهب به میدان بیایید. من ضمن تسلیت و ابراز

همدردی با خانواده و بستگان شورش سلیم فر از همه مردم شهر سقز و دیگر شهرهای کردستان میخواهم که یک صدا و متحدانه این جنایت را محکوم کنند. با امضا تومار و بیانییه و خواهان محاکمه فتوا دهنده محمد علوی (آخوند) و ارسلان رضایی (قاتل) به جرم قتل و سر بریدن یک نفر به اسم شورش سلیم فر بشوید. این دو نفر به جرم قتل و اشاعه خونریزی و سر بریدن باید پاسخگوی اعمال جنایتکارانه خود باشند. با اعتراض و اعلام نفرت از جنایات با خانواده مقتول همدردی کنید و به کمک آنها بشتابید.

محمد آستگران
۲۱ فروردین ۱۳۸۷

بانه: در طی هفته گذشته شخصی ۱۸ساله بنام یوسف حسنی اهل بانه بر اثر انفجار مین در منطقه مرزی مجروح و روانه

بیمارستان مرکزی تبریز گردید. طی ماه جاری چندین فرد بر اثر کارگزاری مین در منطقه مرزی توسط نیروهای نظامی مجروح و یا جان خود را از دست دادند.

سردشت: در روستایی از توابع شهر مرزی سردشت دختری بنام سازگار محمدیان که با پسر مورد علاقه خود بعد از مخالفت خانوادهایشان دو سال قبل فرار کرده بود پس از بازگشت به همراه پسر، جهت رسمی کردن ازدواج خود در تاریخ ۱۶/۱/۸۷ مورد حمله وحشیانه و ضرب و شتم خانواده دختر قرار می گیرند و این دختر جوان بعلت هدف قرار گرفتن با سلاح گرم جان خود را از دست داد. لازم به توضیح است این دختر حامله و نوزاد وی نیز کشته شد. در این درگیری علاوه بر این دختر دو فرد دیگر نیز مجروح و روانه بیمارستان گردیدند.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!